

خبر

ایمان بخشایشی در گذشت

بخش فرهنگی – ایمان بخشایشی، شاعر جوان و غزلسرای خراسانی از دنیا رفت.

به گزارش خبرنگاران، ایمان بخشایشی، غزلسرای جوان خراسانی بر اثر سانحه تصادف درگذشت. بخشایشی از آغاز دهه ۸۰ خورشیدی به طور جدی به شعر گفتن پرداخت و خیلی زود در محافل ادبی به عنوان شاعری جوان و مستعد شناخته شد.

او در میان جامعه شاعران خراسان علاوه بر توانایی‌های ادبی، به عنوان فردی اخلاق‌گرا و صمیمی هم شناخته می‌شد.



اعطای نشان انجمن عکاسان مطبوعاتی با یاد پرتوی، جلالی و گلستان

بخش فرهنگی– اولین دوره اعطای نشان انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی در حالی برگزار می‌شود که قرار است از دو عکاس تازه درگذشته و پنج پیشکسوت حوزه عکاسی مطبوعات تقدیر شود. به گزارش ایسنا، نشست خبری اولین دوره اعطای نشان انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی با حضور حمید فروتن – رئیس هیأت مدیره این انجمن – پیش از ظهر دیروز (۲۴ مردادماه) در خانه هنرمندان ایران برگزار شد.

فروتن در ابتدای این نشست، با یادآوری این‌که انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی ۱۹ سال پیش تأسیس شد، گفت:از جمله اعضای هیأت موسس این انجمن، افرادی مانند حسین پرتوی، بهمن جلالی و کاوه گلستان بودند و امسال ما این نشان را با یاد آن‌ها اهدا خواهیم کرد.

او ادامه داد: سال گذشته، یک گردهمایی برگزار کردیم که امسال برگزار نشد و به جای آن، تصمیم گرفتیم مراسم را به مراسم اهدای نشان تبدیل کنیم.

فروتن در ادامه به وظایف این انجمن مانند دفاع از منافع صنفی، حقوقی، قضایی و اجتماعی عکاسان مطبوعاتی اشاره کرد.

رئیس هیأت مدیره انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی درباره نشان‌هایی که قرار است ۲۸ مردادماه در مراسمی اهدا شود، توضیح داد: در روند انتخاب عکاسان، ۳۶ نفر از اساتید رسانه و عکاسی داوری کردند تا عکاسان حرفه‌ای انتخاب شوند و نشان به آن‌ها تعلق بگیرد.

او ادامه داد: این نشان در هفت بخش اهدا خواهد شد و هر بخش آن، کمیته مستقلی دارد و عکاسان حرفه‌ای، شاخص‌های آن بخش را تعیین کرده‌اند. این بخش‌ها شامل عکاسی خبری، مستند اجتماعی، ورزشی، عکاسان زن، عکاسان استانی و پیشگامان عکاسی خواهد بود. همچنین نشان هفتم به روزنامه برتر تعلق خواهد گرفت.

فروتن اظهار کرد: ما به این دلیل سه بخش عکاسان زن، عکاسان استانی و پیشگامان عکاسی را به این رویداد اضافه کردیم که می‌خواستیم توجه بیشتری به این بخش‌ها شود، مثلا عکاسان استانی، امکانات عکاس‌های تهرانی را ندارند. پیشگامان نیز به پیشکسوتانی گفته می‌شود که حتی اگر از رسانه خود بازنشسته شده باشند، همچنان به کار خود ادامه می‌دهند.

او درباره نشان روزنامه برتر نیز گفت: چند وقت پیش، ما از طرف معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد انتخاب شدیم تا شاخص‌های رتبه‌بندی عکس در روزنامه‌های سراسری را تدوین کنیم. پس از تدوین این شاخص‌ها قرار شد داوری کار را نیز انجام دهیم. حدود ۱۸۰ روزنامه را در چهار نسخه براساس شاخص‌ها رتبه‌بندی کردیم. ما همچنین روزنامه‌های غایب را نیز بررسی و رتبه‌بندی کردیم.

فروتن در ادامه به برخی از این شاخص‌ها مانند وجود سرویس عکس در روزنامه، ترکیب‌بندی عکس‌ها، داشتن صفحه اختصاصی عکس، شناسنامه‌دار بودن عکس‌ها، ذکر منبع و نام عکاس و … اشاره کرد.

رئیس هیأت مدیره انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی گفت: امسال اولین سال اعطای این نشان است و ما فرصت کمی برای این کار داشتیم. ممکن است در سال‌های بعد رسانه‌های دیگر مانند خبرگزاری‌ها نیز در این نشان جایگاهی پیدا کنند. او اظهار کرد: در مراسم اعطای نشان این انجمن که ۲۸ مردادماه در خانه هنرمندان برگزار خواهد شد، از علیرضا سلطانی و وحید سهرابی همکاران تازه درگذشته‌مان یاد و از خانواده آن‌ها تقدیر می‌کنیم. همچنین از سایت به‌روزرسانی‌شده انجمن رونمایی خواهیم کرد. همچنین قصد داریم از پنج پیشکسوت حوزه عکاسی مطبوعاتی تقدیر کنیم.

فروتن ادامه داد: در مراسم پیش رو، مهمانانی مانند حسین انتظامی (معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد)، کمال خرازی (وزیر سابق امور خارجه) و احمد مسجدجامعی (وزیر سابق ارشاد و عضو فعلی شورای شهر تهران) ما را همراهی خواهند کرد. همچنین قرار است از انجمن‌های صنفی عکاسان مطبوعاتی استان مرکزی و اصفهان که سال گذشته فعال شده‌اند، تقدیر کنیم.

رئیس هیأت مدیره انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی همچنین بیان کرد: ما داوری این نشان را به دست خود صنف سپردیم و حتی از اساتید علوم ارتباطات نیز برای این کار کمک گرفتیم. برای انتخاب عکاسان صرفا عکاس خوب بودن، مد نظر ما نبود، بلکه رعایت اخلاق حرفه‌ای، حضور مداوم در جریان‌ها و حوادث و جریان‌سازی دیگر شاخص‌های انتخاب آن‌ها بوده است.

او در پاسخ به پرسش‌های خبرنگار ایسنا مبنی بر این‌که آیا شاخص‌های تدوین شده توسط این انجمن برای تمام رسانه‌ها کاربرد دارد و این‌که چرا در میان تمام رسانه‌ها، اولویت اولین دوره اعطای نشان به روزنامه‌ها تعلق گرفته است؟ اظهار کرد: اولویت ما روزنامه‌ها نبوده، بلکه برای رصد تمام رسانه‌ها زمان زیاد و دبیرخانه ثابت لازم است. به‌خاطر زمان کم، ما این بخش را از روزنامه‌ها آغاز کردیم و اکنون حجمی از کار انجام شده است.

فروتن افزود: شاخص‌های رسانه‌های مجازی مطمئنا تفاوت عمده‌ای با شاخص‌های روزنامه‌ها خواهد داشت؛ اما امکان دارد موارد مشترکی نیز در میان آن‌ها وجود داشته باشد.

{فرهنگ و هنر}

گفت و گو با عوامل فیلم **«فصل نرگس»**:

سر راه فیلم سنگ‌اندازی کردند

دوستان در حوزه‌های مرتبط با اهدا عضو می‌دادند برای من رنگ شمار نداشت. من به آنها ایمان داشتم و فکر می‌کردم می‌شود. پیش خودم می‌گفتم سازمانهای مربوط به موضوع فیلم به من قول حمایت دادند، پس حتما می‌شود. آن زمان من بیش از اندازه مثبت‌اندیش بودم ولی در این مسیر که الان سه سال از آن می‌گذرد و و من کم کم جلو آمدم نه تنها به من و فیلم هیچ کمکی نشد بلکه سنگ‌اندازی هم شد. سنگ‌اندازی‌هایی که حتی ارزشش را ندارد بخوایم درباره‌اش حرف بزنیم چون از نظر من بیشتر حاشیه کاذب محسوب می‌شود. اما ازگان‌های مرتبط با موضوع به لحاظ اقتصادی مسیری از مسیر تولید را هموار نکردند، حتی به لحاظ معنوی هم حمایتی از فیلم نداشتند . ما خیلی می‌شویم که ترویج فرهنگ اهدا عضو مهم است و می‌خواهند که این اتفاق بیفتد اما این حرف‌ها بیشتر شبیه شعار است. ما برای خودمان مسئولیت اجتماعی تعریف کردیم که آمدم در این حوزه کار می‌کنیم و طبیعتا برای ما هم این موضوع مهم است اما وقتی وارد کار می‌شویم متوجه می‌شویم از خیلی حرفه‌ایی که پیش از ساخت کار زده می‌شود خبری نیست.

«فصل نرگس» جزو فیلم‌های هجو، دم دستی، بفروش و گیشه‌ای حساب نمی‌شود و ژانرش هم کم‌مدی نیست و در بخش خصوصی رغبتی ایجاد نمی‌کند. پس تو باید در این مسیر بگردی و آدمی هم‌سو با خودت را پیدا کنی که در حوزه اقتصادی ماجرا هم همراهت شود و خودش هم این دغدغه را داشته باشد و از طرف دیگر در حوزه اجرایی فیلم هم دخالتی نکند که مکافات تازهای را برای تهیه‌کننده و عوامل به وجود بیاورد. فکر می‌کنم این مسیر مسیر راحتی نیست و خدا را شکر که این همراهی شامل حال ما شد تا فیلم ساخته شود. خوشبختانه فیلم پخش‌کننده خوبی دارد و برخلاف برخی هججه‌های بیخودی که راه می‌افتد حوزه هنری از نظر من پخش‌کننده خوبی است و کارهایی که فکر می‌کند می‌تواند موثر و مفید باشد را پیش می‌برد. فقط امیدوارم در طول اکران دوستانی که مسئولیت سینماها را برعهده دارند و جزو مدیران سینمایی محسوب می‌شوند با ما همراه و همدل شوند و به این نکته توجه کنند که این فیلم فیلمی نیست که در هفته اول کف فروش را پر کند یا به سرعت روند فروش روبه رشدی داشته باشد که اگر این اتفاق نیفتاد سالن‌اش را جابه جا کنیم یا از فلان سالن سینما کنار بگذاریمش.

◆ اگر موافق باشید به بحث کارگردانی برگردیم، «فصل نرگس» روایت متفاوت و موازی‌گونه‌ای دارد. از ابتدا که قصه را طراحی می‌کردید همین شیوه را در نظر گرفته بودید و چه دلیلی داشت که این شیوه را انتخاب کردید؟ به نظرم تداوم انسجام قصه در این شکل از روایت سخت‌تر است و چه تمهیدی برای این مسئله داشتید که درک این قضا و موقعیت برای مخاطب آسان‌تر شود؟

آذربایجانی: من چون فیلمنامه‌هایم را خودم می‌نویسم طبیعتا اول نویسنده یک اثر هستم و بعد کارگردانش. به همین خاطر شیوه روایت را بر اساس آن چیزی که فکر می‌کنم برای آن قصه مناسب است انتخاب می‌کنم و همان شیوه روایی را در فیلمنامه می‌آورم. دلیل اصلی انتخاب این روش روایت برای فصل نرگس هم این بود که می‌خواستم قصه اهداکننده اعضا و گیرنده ها را همزمان روایت کنم. قصه‌هایی که به لحاظ زمانی با هم متفاوت هستند و وقتی می‌خواهی آنها را به صورت همزمان تعریف کنی چاره‌ای نداری جز اینکه به چنین روشی متوسل شوی تا امکان همزمان روایت شدن ماجراها فراهم شود. آن حفظ انسجامی هم که گفتید در این جنس روایت، کار به مراتب پیچیده‌تر و سخت‌تری است. چون تو اطلاعاتی را به مخاطب می‌دهی که باید زمانش را محاسبه کرده باشی که در دیر یا زود نباشد، اندازه‌اش کافی است یا نه و هزاران مورد دیگر. همه تلاش من این بود که هم به لحاظ کیفیت و هم کمیت حضور شخصیت‌ها یک وزن را داشته باشند. همین مسائل ماجرا را خیلی پیچیده‌تر و در عین حال جذاب‌تر می‌کرد. فیلمنامه فصل نرگس حداقل ۵–۴ بار به صورت کامل بازنویسی شد تا به این شکلی که الان در فیلم هست رسیدیم.

◆ از انتخاب بازیگرهایتان هم برایمان بگویید؛ همه‌شان همان گزینه‌هایی بودند که از ابتدا در ذهن تان داشتید؟

آذربایجانی: موقی که داشتم فیلمنامه را می‌نوشتم طبیعتا باید یک سری تصویر از شخصیت‌هایی که می‌نوشتم در ذهنم تصور می‌کردم. به یکسری از بازیگرها برای هر کدام از این نقش‌ها فکر می‌کردم ولی نه به این شکل که مشخصا بگویم این نقش حتما برای فلان بازیگر است. چون شرایط سینمایی ما به این شکل نیست که الزاما همان بازیگری که تو در ذهنت داری بتواند زمان تولید در کارت حضور داشته باشد. به همین دلیل گزینه‌های دوم و سومی هم برای هر کدام از شخصیت‌ها در ذهنم داشتم. موقی که فیلمنامه نوشته شد و با سحر وارد همکاری شدیم، درباره خیلی از تصمیمات‌مان از جمله بحث انتخاب بازیگران صحبت کردیم. همان موقع برای بازیگران هر کدام از نقش‌ها به تصمیم تقریبا نهایی می‌رسیدیم و خوشبختانه در پیش تولید هم با همان‌هایی به توافق رسیدیم که در ذهن داشتیم و انتخابشان کرده بودیم. به نظر من به عنوان کارگردان ، همه بازیگرها به همان اندازه‌ای که لازم بوده و فیلمنامه می‌طلبیده حضور دارند و انرژی گذاشتند.

◆ «فصل نرگس» فیلمی زنانه نیست ولی زن در قصه آن محوریت دارد. در فیلم قبلی خانم آذربایجانی هم ردپای پرنگی از این قضیه دیده می‌شد که حتی برخی از «آیینه‌های روبه رو» به عنوان فیلمی فمینیستی یاد می‌کنند. چرا تصمیم گرفتید قصه «فصل نرگس» بر پایه حضور زن بچرخد؟

آذربایجانی: البته من با این نظر درباره «آیینه‌های رو به رو» مخالفم. در «فصل نرگس» هم همان طور که خودتان اشاره کردید، فقط شخصیت‌های اصلی‌ترش زن هستند که این موضوع دو دلیل داشت، یک دلیل اینکه در سینمای ما قهرمان‌های زن به نسبت قهرمانان مرد، تعدادشان در فیلم‌ها خیلی کمتر است. این مسئله من را که یک فیلمساز و نویسنده زن هستم و به طبع جنسیتیم، احوال و عواطف زنان را عمیق‌تر و درست‌تر درک می‌کنم، بر آن داشت که حالا که فرصت‌اش را دارم و می‌توانم، به هم جنس‌های خودم به عنوان قهرمان بپردازم. یک دلیل دیگر هم داشتم که مشخصا در انتخاب «زن بودن» شخصیت‌های اصلی این فیلم تاثیرمهمی داشت و اصلا ربطی به باورها نداشت، بلکه یک دلیل پزشکی و علمی بود. اینکه وقتی شخصیت اصلی دهنده اعضا زن باشد، باید دو شخصیت دیگر هم زن می‌شدند. چون اصولا اعضای بدن زن‌ها کوچکتر است و در بدن مردها معمولا جواب نمی‌دهد، برعکس‌اش اتفاق می‌افتد ولی اعضای بدن زن‌ها را عموما به زن‌ها پیوند می‌زنند و خب این مسئله هم دلیل دیگری بود که سه شخصیت اصلی‌تر قصه ما زن باشند.

صباغ‌سروش: البته من این نکته را در تکمیل صحبت‌های نگار بگویم، زمانی که او فیلمنامه را نوشته بود، هنوز نمی‌دانست قرار است تهیه‌کننده فیلمش من باشم و ایشان می‌توانست با یک تهیه‌کننده مرد همین فیلم را کار کند.

◆ امیدبخشی و نگاه مثبت در پایان فیلم هم مشاهده می‌شود. این نگاه به نظرتان این تلقی را به وجود نمی‌آورد که این فیلم هم از آن دسته فیلم‌های پایان خوش است؟

آذربایجانی: خب چه اشکالی دارد که یک فیلم، پایان امیدوار کننده و خوش داشته باشد؟! به نظرم تعریف پایان خوش به عنوان «بیراد و نقطه ضعف» یک فیلم فقط از ذهنی می‌تواند نشأت بگیرد که به دلایلی شرطی شده و درگیر پیش داوری های خودش است. البته منظورم این نیست که همه باید فیلم با پایان خوش را دوست داشته باشند، یا فیلم با پایان تلخ را. هر کسی می‌تواند بر اساس نیازها و سلیقه اش انتخاب کند که چه نوع فیلمی را دوست دارد، ولی اینکه بر اساس سلیقه شخصی مان یا پیش داوری هایمان فیلم را قضاوت کنیم، اشتباه است. هر فیلمی، بر اساس قصه، نوع روایت و حرفی که فیلمساز می‌خواهد بزند، تعیین می‌کند که پایانش خوش باشد یا ناخوش! ضمن اینکه حال فیلم فصل نرگس کلا خوش است و این فقط در پایانش نیست! و این به جهای بینی من سازنده مربوط می‌شود. صباغ‌سروش: در این فیلم البته با توجه به تجربه‌هایی که ما با مخاطبان داشتیم این اتفاقی که می‌گوید نیفتاده است.

آذربایجانی: نوع نگاه و جهانبینی من از زندگی و مرگ همین چیزی است که در فصل نرگس می‌بینید. مقدم هم مرگ پایان نیست، بلکه جزئی از زندگی است و مقدم هم همه ما در مسیر بین تولد تا مرگ، دائما باید انتخاب کنیم و انتخاب‌هایمان هویتمان را تعریف می‌کند و در عین حال روی زندگی هم نوعانمان تاثیر می‌گذارد و همه اینها هم در فصل نرگس مطرح شده اند. مطمئنا اگر روزی نوع نگاه من تغییر کند و به هر دلیلی به اتفاق‌های پیرامونم طور دیگری نگاه کنم، قطعا فیلمنامه‌هایم باز شبیه خودم می‌شود.

خبر

بهمن کیارستمی:

هنوز گزارش ماه اول روند درمان عباس کیارستمی ارایه نشده است

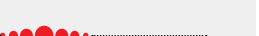
بخش فرهنگی– فرزند عباس کیارستمی با اشاره به پرونده پزشکی پدرش بیان کرد که هنوز گزارش ماه اول روند درمان عباس کیارستمی به آنها ارایه نشده است.

بهمن کیارستمی فرزند زنده‌یاد عباس کیارستمی در گفتگو با مهر درباره نصب کاشی ماندگار بر سردر خانه پدرش گفت: من از جزئیات این موضوع اطلاعی ندارم زیرا روزی که این کاشی نصب شد من حضور نداشتم و این اتفاق با حضور یکی از اقوام ما رخ داد ولی با این وجود من موافق این موضوع بودم.

وی همچنین درباره روند بررسی پرونده پزشکی عباس کیارستمی بیان کرد: ۲ هفته پیش جلسه ای با سیدحسن قاضی زاده هاشمی وزیر بهداشت و دکتر زالی داشتیم و در آن جلسه قرار شد دکتر هاشمی تا پایان هفته پیش گزارش مفصلی درباره ماه اول پروسه درمان به ما بدهد اما هنوز این گزارش ارایه نشده است.

کیارستمی عنوان کرد: قرار است یک کمیسیون تخصصی دیگری در سازمان نظام پزشکی برگزار و این موضوع بررسی شود و وزرات بهداشت به دستور وزیر مسئول ارایه این گزارش است اما این گزارش هنوز ارایه نشده است.

وی در پایان گفت: فکر می‌کنم به دلیل درگیری بر سر مساله رای اعتماد وزرا هنوز این گزارش ارایه نشده است و باید دوباره پیگیری کنیم.

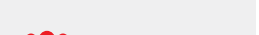


دلیل جدایی ابوالفضل پورعرب از «شهرزاد» چه بود؟

بخش فرهنگی– ابوالفضل پورعرب در برنامه «من و شما» برای اولین‌بار از دلیل جدایی ناگهانی‌اش از «شهرزاد» گفت.

جمعه گذشته، ابوالفضل پورعرب مهمان برنامه من و شما بود. او در این برنامه، برای اولین بار از دلیل جدایی ناگهانی‌اش از سریال «شهرزاد» گفت.

پورعرب در این باره اظهار داشت: «قصه تغییر کرد، عذرخواهی کردم و آمدم بیرون. اتفاقات تازه‌ای که در سریال می‌افتاد را دوست نداشتم.» گفتنی است؛ پس از جدایی ابوالفضل پورعرب از گروه سریال شهرزاد، گمانه‌زنی‌هایی درباره اختلاف میان او و حسن فتحی و تیم کاری‌اش مطرح شد.



برنده قدیمی ترین جایزه ادبی انگلیس معرفی شد

بخش فرهنگی– ایمیر مک‌براید به عنوان برنده جایزه جیمز تیت بلک که قدیمی‌ترین جایزه ادبی انگلیس است انتخاب شد.

به گزارش مهر به نقل از گاردین، رمان نویس ایرلندی ر رمانی درخشان که درباره نوجوانان نوشته است، به عنوان برنده قدیمی‌ترین جایزه ادبی بریتانیا انتخاب شد.

ایمیر مک‌براید که جایزه ادبی بیلیز ۲۰۱۴ را برای نوشتن نخستین رمانش که با تلاش زیادی ناشر پیدا کرده بود در کارنامه دارد، با نوشتن دومین رمانش جایزه دزموند ایلیوت را از آن خود کرد. رمان او با عنوان «کمتر بوهمین» جایزه ۱۰ هزار پوندی این رقابت را نصیب او ساخت.

جایزه دزموند ایلیوت که نویسندگان صاحب نامی از ای‌ام فاستر تا دی‌اج لارنس آن را دریافت کرده‌اند قدیمی ترین جایزه ادبی بریتانیا برای داستان و زندگینامه است وتاریخ برپایی آن به سال ۱۹۱۹ بازمی‌گردد.

امسال بیش از ۴۰۰ کتاب برای انتخاب برنده این جایزه مورد بررسی قرار گرفتند و فهرست نهایی این رقابت در نهایت از سوی دانشگاهیان دانشگاه ادینبورگ معرفی شد.

رمان خانم مک براید داستان یک دختر ۱۸ ساله

ایرلندی را روایت می‌کند که به لندن می‌رود تا زندگی جدیدی را شروع کند. این رمان موفق شد تا با پشت سر گذاشتن «یک جاده محلی، یک درخت» نوشته جو بیکر، «چه چیزی به تو تعلق دارد» نوشته گارت گرینول و «ورزش پادشاهان» نوشته سی‌ای مورگان،این جایزه ۱۰ هزار پوندی را از آن خود کند .

جایزه ۱۰ هزار پوندی بخش زندگی‌نامه نیز به لورا کامینگ منتقد هنری آیزورر برای کتابی با عنوان «مرد در حال نابودی» رسید.

این کتاب داستان زندگی یک کتافروش ویکتوریایی به نام جان اسنیر را روایت می‌کند که متعقد است تفاشی گمشده متعلق به ولاسکوایز را پیدا کرده است.